

## نقش باغبانی در توسعه کشاورزی پایدار

نورالدین مولوی

دفتر میوه‌های سردسیری و خشک وزارت کشاورزی، تهران

انسان از آغاز آفرینش برای تأمین غذا و نیازهای اولیه خود همواره ناگزیر از رقابت و ستیز با طبیعت بوده است. رشد روز افزون جمعیت در نیم قرن اخیر و گسترش سریع بهره برداری از منابع باعث تشدید سیر تخریبی منابع طبیعی شده است. تغذیه این جمعیت بدون تخریب بیشتر محیط، نیازمند افزایش تولید مواد غذایی از طریق استفاده درست از منابع پایه و تغییر سیاستهای کشاورزی از هدف حداکثر تولید در کوتاه مدت به هدف تداوم تولید و پایداری آن است. با توجه به ماهیت باغبانی در مقوله توسعه کشاورزی پایدار (کشاورزی به عنوان محور مدیریت برای نیل به توسعه پایدار اقتصاد کشور) وجنبه‌های مثبتی که در صورت مدیریت صحیح در این فعالیت وجود دارد، از نظر برهم زدن تعادل اکولوژیک یا دست کم به علت آسیب رسانی اندک به محیط در مقایسه با زراعت، برتری دارد. از دو دهه پیش که مفهوم توسعه پایدار در برنامه ریزیهای اقتصاد کلان کشورها مورد توجه و تأکید مجامع علمی قرار گرفته است تعاریف متفاوتی ارائه شده است لیکن در بخشهای زیر توافق کلی وجود دارد:

الف - تأمین نیازهای کنونی بدون به مخاطره انداختن توانایی تولید نسلهای آینده.

ب- مدیریت صحیح منابع و ظرفیتهای زیست محیطی موجود و احیاء و بهسازی محیط زیست قبلی که در معرض انهدام و استفاده نامناسب قرار گرفته است.

ج - پیش بینیهای لازم و اعمال سیاستهای مناسب برای بهبود و توسعه شرایط زیست محیطی

د - تصمیم گیریهای مناسب درباره سیاستهای زیست محیطی و توسعه در زمینه‌های احیا و اصلاح کیفیت پوشش گیاهی، مسایل مربوط به فقر غذایی، رشد جمعیت و ...

در تعریف توسعه کشاورزی پایدار، مدیریت اقتصادی به ویژه در کشورهای روبه رشد باید به گونه‌ای باشد که منابع پایه زیست محیطی را حفظ یا اصلاح کند و شرایط زیست مناسب برای نسل آینده را تأمین نماید.

امتیاز فعالیتهای باغبانی در جهت تحقق توسعه کشاورزی پایدار در مقایسه با زراعت عبارتند از:

- ۱- تأمین غذا و امکانات بهیستی، ۲- ذخیره سازی و تأمین نیاز سایر گیاهان، ۳- کشت محصولات در پناه درختان، ۴- حفاظت خاک و پوشش سبز، ۵- تلطیف هوا و افزایش بارندگی، ۶- مصرف کمتر مواد شیمیایی، ۷- حفظ منابع ژنتیکی گیاهی